

کتاب‌های کدام مترجم را در سبد خریدم بگذارم؟ قسمت چهارم از کدام مترجم کدام کتاب؟

فاطمه منصوری نصرآباد

مترجم

تاریخ ترجمه در ایران مدیون کسانی است که از فرصت‌هایشان برای زبان‌آموزی نهایت استفاده را کردند و در نهایت علاقه‌شان به ادبیات ایران و جهان باعث شد از حرفه خود دست بکشند و به ترجمه و بعدتر به تألیف کتاب‌های گوناگون روی بیاورند. کسانی که حتی در زندان هم کار ترجمه را رها نمی‌کردند و تمام سعی و تلاش‌شان این بود که آثار خوب را برای مخاطب ایرانی به فارسی برگردانند. آن‌ها شغل خود را رها می‌کردند تا به فعالیت‌های ادبی بپردازند. چنین افرادی از خیلی چیزهایی گذرند چون برای ادبیات و ترجمه ارزش قائل هستند. همچنین در انتخاب اثر ادبی برای ترجمه وسواس به خرج می‌دهند و هر چیزی را ترجمه نمی‌کنند.

مهم‌ترین آثار ترجمه شده سعید نفیسی دو اثر معروف هومر یعنی «ایلیاد» و «ادیسه» می‌باشد. در تاریخ ترجمه ایران کسی این دو اثر مهم را ترجمه نکرده بود. آن هم ترجمه‌ای رسا و روان و دقیق!

که در دانشگاه تهران کارشناسی ارشد زبان‌شناسی می‌خواند در مؤسسه انتشارات فرانکلین به عنوان ویراستار مشغول به کار شد. عمده فعالیت او قطعاً در عرصه ویرایش است، مخصوصاً از زمانی که به فرهنگستان زبان و ادب فارسی رفت و سردبیر نشریه «نامه فرهنگستان» شد. این مجله با مدیریت او مقاله‌های مهمی در زمینه زبان و گویش‌های ایرانی، دستور زبان و... منتشر کرد. به زندان که افتاد در همان جا به ترجمه روی آورد. رمان «دلدار و دلباخته» ژرژ ساندر را برگردان کرد و وارد کار ترجمه شد. بعد از این ترجمه، شروع به کار کردن روی کتاب ژرژ پرک یعنی «چیزها» کرد. کتاب «خیال پروری‌های تفرجگر انزواجو» ژان ژاک روسورا هم ترجمه کرد. پس از آن کتاب‌های متنوعی در زمینه‌های مختلف نوشت. در عرصه زبان‌شناسی کتاب «آشنایی با زبان‌شناسی (کلیات و واج‌شناسی)» را نوشت و کتابی مهم از نوام چامسکی به نام «ساخت‌های نحوی» را ترجمه کرد. احمد سمیعی گیلانی برآثر کوهولت سن در ۱۰۳ سالگی درگذشت. برای آشنایی بیشتر با او، کتاب خاطراتش که در قالب مصاحبه تاریخ شفاهی است با نام «گوهرنشان ادب» نوشته پیمان صالحی را بخوانید.

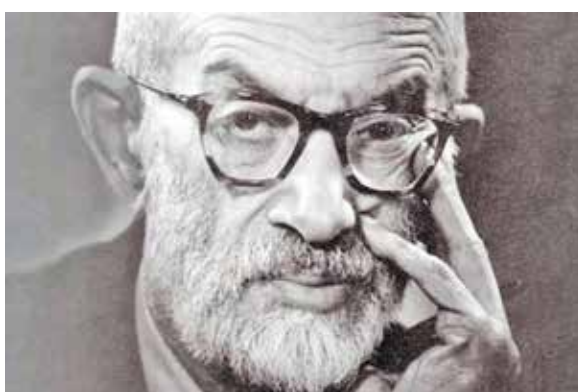
زبان فرانسوی را خیلی خوب آموخت. اوایل زندگی در نیروی دریایی کار می‌کرد اما به این نتیجه رسید که شغلش مانعی برای دنبال کردن ادبیات است پس استعفا داد و در حوزه ادبی مشغول به کار شد. به قول خودش اوایل کار برای گذران زندگی نمی‌توانست به نویسندگی متکی باشد پس پیشنهاد ترجمه «بابا گوریو» انوره دوبالزاک را پذیرفت و آن را تحویل داد. بعد از آن آثار دیگر بالزاک مثل «زن سی ساله»، «دخترعمو بت» و «زنبق دره» را هم ترجمه کرد. آثار مختلفی هم از رومن رولان فرانسوی انتخاب کرد تا ترجمه کند. «ژان کریستف»، «جان شیفته» معروف و «بازی عشق و مرگ» جزو کتاب‌هایی است که از رولان ترجمه کرد. به نظر شخص من، بهترین ترجمه‌های همان سه نمایشنامه شکسپیر یعنی «اتللو»، «هملت» و «شاه لیر» در کنار ترجمه خوب «دن آرام» است. به‌آذین وسواس زیادی برای انتخاب اثر داشت و در ترجمه هم تمام تلاش‌اش را می‌کرد ظرافت‌های زبانی نویسنده را خوب از آب دربیآورد و فکرمی‌کنم در این سه کتاب به خوبی توانسته از پس آن بر بیاید. محمود اعتمادزاده در نهایت در ۹۲ سالگی برآثر ایست قلبی درگذشت و فعالیت‌های ادبی و اجتماعی او به پایان رسید.

پدر ویرایش ایران

احمد سمیعی گیلانی مترجم، نویسنده و ویراستار ایرانی متولد ۱۲۹۹ بود. احمد سمیعی به زبان انگلیسی و فرانسوی مسلط بود. همان زمانی



احمد سمیعی گیلانی



سعید نفیسی



کتاب‌باز نامی ایران

بود. آن هم ترجمه‌ای رسا و روان و دقیق! همان سال‌ها «آرزوهای بر باد رفته» انوره دوبالزاک را هم ترجمه کرد که جزو آثار ترجمه شده ماندگار ایران شد و مخاطبان زیادی را با این اثر مهم فرانسوی آشنا کرد. سعید نفیسی پس از مرگ پدرش در سال ۱۳۰۳ تلاش فراوانی کرد تا فرهنگ نفیسی را چاپ کند؛ فرهنگی که پیش از دهخدا بزرگ‌ترین فرهنگ فارسی ایران بود. سعید نفیسی در ۷۱ سالگی برآثر بیماری آسم در تهران درگذشت. برای آشنایی بیشتر با نفیسی هم می‌توانید کتاب «خاطرات ادبی یک استاد» را بخوانید و از نثر شاعرانه و لطیف او لذت ببرید.

بنیانگذار کانون نویسندگان ایران

محمود اعتمادزاده یا شاید اسم مستعار او را بیشتر شنیده باشید، م.ا. به‌آذین نویسنده و مترجم ایرانی متولد ۱۲۹۳ بود. همراه با دانشجویان اعزامی سال ۱۳۱۱ به فرانسه رفت و



محمود اعتمادزاده



عمده فعالیت احمد سمیعی گیلانی قطعاً در عرصه ویرایش است، مخصوصاً از زمانی که به فرهنگستان زبان و ادب فارسی رفت و سردبیر نشریه «نامه فرهنگستان» شد

سعید نفیسی مترجم، زبان‌شناس، لغت‌نویس و شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرانی متولد سال ۱۲۷۴ شمسی بود. پدرش میرزا علی اکبر خان نام‌الاطبا پزشک و مترجم بود. در تاریخ ترجمه کتب پزشکی خدمت بزرگی به مردم زمانه خودش کرد. پسر سعید نفیسی هم همین راه را در پیش گرفت. در مدرسه‌ای که پدرش تأسیس کرده بود، تحصیل کرد و بعد به فرانسه رفت و فرانسه آموخت. بعد هم زبان‌های یونانی و لاتین یاد گرفت. سال‌های زیادی فرانسه تدریس می‌کرد و در کنار آن در دانشگاه درس‌های مختلفی مثل تاریخ ادبیات، تاریخ تصوف و ادبیات فارسی می‌داد. عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و در دانشگاه‌های مختلفی مثل سوئد، هند، آلمان، فرانسه و... تدریس می‌کرد. زندگی خودش را صرف جمع کردن کتاب‌ها و مطالعه ادبیات و تاریخ کرد. پژوهش‌های زیادی در متون کهن فارسی انجام داد و در نهایت کتب گرانبهایی تصحیح و تألیف کرد. در امر ترجمه اما از همان سال‌های نوجوانی شروع به ترجمه کرد. بعدها با دانشی که اندوخته بود، دست به ترجمه آثاری از پوشکین زد که البته پس از چند سال «نایب چاپارخانه» اش را هم ترجمه و منتشر کرد. کتاب‌هایی درباره تاریخ کشورها، ابن سینا و یکی دو اثر روسی دیگر هم ترجمه کرد که همگی چندین بار تجدید چاپ شدند. اما شاید مهم‌ترین آثار ترجمه شده او دو اثر معروف هومر یعنی «ایلیاد» و «ادیسه» باشد. در تاریخ ترجمه ایران کسی این دو اثر مهم را ترجمه نکرده



به‌آذین وسواس زیادی برای انتخاب اثر داشت و در ترجمه هم تمام تلاش‌اش را می‌کرد تا ظرافت‌های زبانی نویسنده را خوب از آب دربیآورد